



آیت الله جوادی املی:  
«عقل» نمی گذارد «وهم»  
شیطنت کند

**مهر:** آیت الله جوادی املی در پیامی به آیین گشایش «باغ کتاب تهران» با اشاره به اهمیت کتاب و کتابخوانی اذعان داشت: کتابت و علم زمینه‌ای است برای عقل و عقل وسیله‌ای است برای فرشته شدن. جامعه فرشته نه به بیراهه می‌رود و نه راه کسی را می‌بندد. وقتی قرآن ما در کنار شمس و قمر به علم و کتاب و قلم سوگند می‌خورد، یعنی قلم باید مثل قمر نور بدهد و کتاب مثل شمع فروغ داشته باشد. این طبعه کار است، «باغ کتاب» قدم اول است که انسان به نوشتن و گفتن صحیح عادت کند و آگاه شود و این کافی نیست و این مقدمه است. در بخشی دیگر از این پیام آمده است: قرآن پس از اینکه جامعه را به علم دعوت کرده است، به آن‌ها می‌گوید: علم نردبان است نه وسیله و هدف و این نردبان باید جامعه را به عقل برساند، فرمود: «و تَلَّكَ الْأَمْثَالَ نُضْرَبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ» (سوره عنکبوت، آیه ۴۳) فرمود: این تبیین‌هایی که در قرآن کریم هست، دانشوران بهره می‌برند و این دانشوران نردبان‌هایی در دست دارند که به سمت عقل باید صعود کنند، چون آنجاست که «إِنَّهُ يَصْعَدُ الْكَلِمَ الطَّيِّبَةَ» (سوره فاطر، آیه ۴۰) پس قدم اول عالم شدن، قدم دوم اینکه بدانیم خود این علم هدف نیست، نردبان است. سوم آنکه بدانیم این نردبان را به اوج و عروج عقل نصب بکنیم که بشویم عاقل. عقل را صاحب شریعت، یعنی وجود مبارک پیامبر اعظم (علیه و علی آله الألب التحیة و الثناء) تفسیر کرد، فرمود: عقل آن است که در بخش اندیشه، زانوی سرکش وهم و خیال را عقل کند و در بخش انگیزه زانوهای سرکش شهوت و غضب را عقل کند، عقل همان عقل است. (تحف العقول، ص ۱۵) عقل آن زانویند شتر است که شتر چومش و جومج را با آن می‌بندند که چوموشی نکند، وهم در اختیار انسان نیست، خیال از اختیار انسان نیست، عقل است که وهم و خیال را در بخش اندیشه رام می‌کند تا قسام‌سیزده گانه مغالطه منطقی و بیشتر از آن راه رابند اندیشه قرار ندهد. اگر وهم شیطنت نکند و اگر خیال، خیال اندوژی و خیالی‌بافی نکند، عقل در اندیشه به دام مغالطات نمی‌افتد.

در بخش دیگر این پیام آمده است: عقل همان بیان نورانی امیر بیان (سلام الله علیه) را دارد که «ارادوا الحجر من حیث جاء» (نهی البلاغه (للسبجی صالح، حکمت ۳۱۴) سنگ را از آنجا که آمد پرت کنی و برگردانید. سنگ ترور را با موشک پاسخ بدهید، سنگ سیاهی را با همان سیاهی پاسخ بدهید، هرگز ملت دست‌پدیر و خاموش نباشید! این سخن نغز و نقد علی بن ابی‌طالب (سلام الله علیه) است که فرمود: «ارادوا الحجر من حیث جاء»، غیب را باید تعطیل کرد، باید تعدیل کرد، یعنی به کسی اجازه نکرد و حمله بر کسی را هم پاسخ داد. شهوت را نباید تعدیل کرد، شهوت را باید تعدیل کرد، ازدواج را باید حتمی کرد، تأخیر نیندخت، شهوت و غضب اگر تعطیل شوند، همان فتنه‌ای را به بار می‌آورد که اگر سرکشی کنند، عقل عیسی، زانوی این شهوت و غضب را عقل می‌کند و می‌بندد، این می‌شود انگیزه عاقل. این هم یک مرحله، هنوز بین راه هستیم و کافی نیست و مستحضر هستیم، شخص می‌تواند در مسائل عادی خود عالمانه مشکل خود را حل کند، علاقه دشواری خود را حل کند، ولی جامعه را علما اداره نمی‌کنند، جامعه را عقلا اداره نمی‌کنند، قرآن کریم می‌گوید، اگر جامعه‌ای اهل علم و عقل شد بین راه است، نه به قله راه.

تجمع ۸ شوال» در واشنگتن  
تسنیم: در سالگرد تخریب مرقده ائمه بقیع به دست وهابیان تکفیری، صدها نفر از مردم آمریکا و مسلمانان مقیم این کشور در مقابل سفارت سعودی در واشنگتن تجمع اعتراضی برپا کردند. شرکت‌کنندگان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته بود: «وهابی‌های تروریست، مکان‌های مقدس را ترور نکنید»، «قبرستان بقیع را بازسازی کنید»، «وهابی‌های بی‌اعتنا، مسیحیان و مسلمانان را ترور می‌کنند»، «میراث و یادبود اسلام را تخریب نکنید، وهابی تروریست را متوقف کنید».

احکام  
واجبات قرائت در نماز چیست؟  
نشر احکام: همه مراجع: هنگام قرائت نماز واجب است موارد زیر رعایت شود:  
۱- طوری باشد که تلفظ محسوب شود و نشانه آن این است که بتواند خودش آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند - اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست - بشنود.  
۲- دنبال هم و به امری صحیح باشد.  
۳- در حال استقرا و در عریض بدن باشد  
۴- مطابق قرائت قراء سعه باشد.  
آیت الله مکارم شیرازی: از آنجا که در زمان ما مشهور همان قرائت «عاصم» مطابق با روایت «حفص» است - که در قرآن‌ها ای در دسترس موجود است - قرائت‌های دیگر آرد نماز حلالی از اشکال نیست.

# معارف

maaref@qudsonline.ir

درگیری و تفرقه افکنی از مباحث آسیب زا ست  
کرد: اختلاف، درگیری و تفرقه افکنی از مباحث آسیب زا در کشور است و بنده نمی‌دانم چرا عده‌ای که بعضاً مسئولیتی نیز دارند، اصرار بر حاشیه ساری و دوقطبی کردن جامعه دارند. این مرعج تقلید افکار داشت: تأکید ما این است که نقد متصفانه باشد و این مسئله بدان مناسبت که اگر ضعف را می‌بینیم، نقاط قوت و خدمت‌ها را نیز مشاهده کنیم و به نحوی تلقی نشود که هیچ خوبی وجود ندارد.

## پاسخ کارشناس دینی به پرسشی تاریخی درباره اهمیت قلم

# «کتاب سازی» متون دینی را بی مخاطب می کند



**ا. معارف / طیبه مروت | روز قلم فرصتی پیش روی ما قرار می‌دهد تا از زاویه‌ای دیگر به اهمیت این روز پرداخته شود. قسم به قلم، بیان اهمیت آن و توجه دادن مردم به فراگیری علم در قرآن و روایات بیاینگر اهمیت این موضوع در اسلام است. حجت الاسلام محمدرضا آتشین صفه؛ عضو انجمن قلم حوزه‌های علمیه سراسر کشور، مدرس ادبیات فارسی و نگارش در حوزه و دانشگاه، زاور کتاب سال حوزه و نویسنده و پژوهشگر به یک پرسش تاریخی درباره اهمیت ویژه قلم در متون دینی پاسخ می‌گوید.**

**یکی از مباحثی که در قرآن به آن قسم یاد شده قلم است، همچنین در آغاز وحی پیامبر خاتم از قلم یاد شده. دلیل این همه توجه در متون دینی به قلم چیست؟**

علامه طباطبایی(ره) درباره اینکه چرا خداوند در قرآن به قلم قسم خورده معتقد است، قلم یکی از نعمت‌های الهی است. در توسعه دانش و فرهنگ، شکل‌گیری تمدن‌های بشری، انتقال علوم و معارف، قلم نقش مهمی ایفا کرده و می‌کند. همچنین قلم از ابزارهای مهم هدایت بشری است، به همین دلیل خداوند به این مخلوق قسم یاد می‌کند، زیرا نعمت است. علامه درباره اینکه چرا در آغاز وحی موضوع قلم مطرح می‌شود، می‌گوید، اینکه خداوند می‌فرماید: علم باقلم، در واقع می‌خواسته نگرانی را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دور کند. زیرا رسول الله شخصی بود که سواد خواندن و نوشتن نداشت و یکباره با فرشته وحی روبه رو می‌شود که به او می‌گوید «بخوان» و این موجب نگرانی می‌شود. بنابراین خداوند با یادآوری اینکه خواندن به وسیله قلم به انسان آموزش داده شده و بی‌گمان خدایی که با ابزار قلم خواندن را به بشر آموخته می‌تواند بدون واسطه قلم به نبی الله هم خواندن بیاموزد.

**یکی از احادیث مهم در این رابطه «مدا العلم افضل دماء الشهداء» است. با توجه به جایگاه شهادت در ادبیات سیاسی اسلام این حدیث نبوی بیانگر چه چیز است؟**

این روایت در ابتدای امر موجب تعجب می‌کند که چگونه کسی که در گوشه‌ای نشست و علم می‌آموزد بر کسی که برای حفظ دین خدا جان بر کف است، برتری می‌یابد؟ این روایت از امام صادق (علیه السلام) در «من لایحضر الفقیه» آمده و از نظر اعتبار، معتبر است. نکته دیگر اینکه «مدا» در این روایت به معنای جوهر

**استاد محمدرضا حکیمی در کتاب «حماسه غدیر» به نقل از علامه امینی می‌نویسد: کتاب‌هایی را که در این سال‌ها در شرح حال ائمه (علیهم السلام) به زبان فارسی نوشته شده است از یاد ریخت به دریا! این حرف خیلی تکان دهنده و هشدار می‌دهد که نویسندگان متون دینی به فکری به حال فراگیری تحقیق و تألیف کتاب‌ها و مهارت‌های نگارش بکنند**

پیدا می‌کند. علمای شیعه در چنین شرایطی مجاهدت داشته‌اند تا خط اهل بیت (علیهم السلام) حفظ شود و امر ائمه به دست شیعیان برسد، جوهر مرکب چنین عالمی برتر از خون شهداست. اما مسئله دیگری که در فرهنگ اسلامی و بخصوص شیعی اهمیت ویژه‌ای دارد «شهادت» است. در طول تاریخ شیعه، وقتی از شهادت و شهید نام می‌بریم، ابتدا واقعه کربلا و سپس انقلاب اسلامی به ذهن متبادر می‌شود. در انقلاب اسلامی ایران، شهیدانی که خون خود را در راه اعتلای نام اسلام هدیه کردند، کسانی بودند که در مکتب فکری و تحولات اندیشه‌ای صورت گرفته توسط امام خمینی(ره) به این مرحله رسیدند. امام خمینی(ره) مرئی افرادی شدند که در مرحل پذیرش شهادت بودند و شخصیتی مانند امام است که مرکب قلمش برتر از خون شهداست.

**نویسنندگی و بهره مندی از قلم یکی از راه‌های تبلیغ دین است.**

و مرکب قلم است که از نظر روان بودن شبیه خون است، بنابراین کنار هم آمدن این دو در یک روایت بی دلیل نیست. در سنجش این دو مرکب، قلم دانشمندان بر خون شهیدان برتری می‌یابد، اما نکته مهم درباره این روایت این است چگونه دانشمند و عالمی به این مرتبه از کمال دست می‌یابد که جوهر مدادش بر خون شهید برتری یابد؟



**عملکرد مبلغان شیعه در بهره مندی از این توانایی و هنر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

علمای شیعه در طول تاریخ از سه زمینه از ابزار قلم استفاده کرده اند: نوشتن کتب دینی و تاریخی که بسیاری از آن‌ها کتب مرجع شیعی هستند، بیان و نشر معارف الهی برای عموم مردم و نوشته‌ها و آثاری در دفاع از حریم دین در برابر افکار انحرافی سه حیطه‌ای است که علما و دانشمندان شیعی از قلم برای حفظ و تبلیغ دین استفاده کرده‌اند. اگر بخوایم کارنامه علمای شیعه را در این زمینه بررسی کنیم، یکی از بهترین کارهایی که صورت گرفته دایرة المعارف «الذریعه علی تصانیف الشیعه» آقا بزرگ تهرانی است. در این دایرة المعارف بزرگ، بیش از ۵۳ هزار جلد کتاب از علمای شیعه و علم آموزی روبه رو بوده‌اند. بیشتر نمودی مانند امام خمینی(ره) و شهید مطهری در زمینه آثار قلمی زحمات بسیاری کشیدند، همچنین فضلا و علمای کنونی با تأسیس پژوهشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی به تألیف آثار خوبی دست زداند. علاوه بر تألیف کتاب، ترجمه و نقد ما شاهد نشر مجلات تخصصی و نشریات با پشتوانه دینی هستیم. توجه حوزه به نویسندگی موجب شده تا در حوزه شاهد ظهور و بروز نویسندگانی باشیم که علاوه بر سواد روز به روز افزایش یافته است. در حوزه‌های تخصصی در سطح کشور تبدیل شوند.

**آسیب‌ها و کاستی‌های پیش‌روی نگارش کتاب و مطبوعات دینی چیست و چه راهکارها برای برون رفت از این چالش‌ها پیشنهاد می‌کنید؟**

بیان استنادات تاریخی، رعایت اخلاقی حرفه‌ای، بیان حرف و نگاه تازه برای رفع مشکلاتی از مشکلات مردم موجب افزایش اقبال مردم به متون دینی می‌شود.



حکومت که از شئون ولایت است نیز به حکم بسیاری از آیات و روایات در کتب شیعه به اثبات رسیده و چگونه است که امام معصوم وظیفه اقامه نظام عدل و حکومت بر اساس دین را دارد، اما هیچ تلاشی برای انجام این وظیفه انجام ندهد؟ چه کسی در نهج البلاغه فرمود: فصیرت و فی العین قذی و فی الحلق شچی اری تراثی نهی. منظور حضرت از میراث و ثراث همان مقام خلافت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده است و غضب حکومت از دستان پروتوان مولا علی (علیه السلام) و عدم پذیرش مردم عوام آن زمان سبب شد حضرت برای حفظ اسلام از تفرقه و تشتت در زمان خلفای سه گانه صبر نمایند، بنابراین، مشروعیت حکومت امام از جانب خداوند بر اساس دلایل نقلی متواتر و دلایل عقلی متین بوده است، اما تنجز حکم یا عملی شدن این حکم الهی منوط به قبول عامه بوده است و اگر عامه هم

مردم مربوط به ۱۴ قرن گذشته است و هیچ مشکلی را از انسان مدرن حل نمی‌کند. در نقد این سخن باید گفت: اگر اعتقادی به نصب امام از جانب خداوند نداشته باشیم، ضرورتاً عصمت آن را هم منکر شده‌ایم و با انکار عصمت هیچ یک از روایات اهل بیت (علیهم الصلاة و السلام) قابل استناد نیست و اصولاً مکتب شیعه از نظر فقهی و اعتقادی شکل نمی‌گیرد. حال بسا این مقدمات فردی که به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) اعتقادی ندارد و آن را برای عصر مدرن جوابگو نمی‌داند، نمی‌تواند نسخه‌ای از حکومت بر اساس شریعت و دین ارائه نماید و این سخنان در حقیقت نفی خودش و متضمن تناقض در ادعا و استدلال است.

نکته سوم اینکه دکتر سروش ادعا کرده است، امام وظیفه ندارد خود را به مردم همچون رسول معرفی کند و این مردم هستند که باید به امام رجوع کنند. این ادعا صحیح نبوده و روایات بسیاری از ائمه (علیهم السلام) وارد شده است که خود را به مردم معرفی کرده و در تفسیر بسیاری از آیات چون راسخون و بالمعم و ایه تطهیر می‌رود راکعون و غیره اهل بیت (علیهم السلام) خود را مصادیق آیات دانسته و اینکه قرآن ناطق هستند و سفینه نجاست که من رکبها نجا و عجیب است که به ایشان یا چه استدلالی منکر معرفی ائمه به خلق شده است؟ امامت منصبی الهی است که روایات متواتر در حقیقت آن وارد شده و

## یک حدیث / یک تصویر



### دارالشفا

## احوال پا بوس و عاشق، نانوشتنی است...

### رقبه توسلی



هر چه نقل شود، احوال پا بوس و عاشق، نانوشتنی است... آن دم که رو به گنبد نور، لب می‌گشاید به سلام... آن دم که از شکم روزگار، دوباره زاینده می‌شود و دستی بند نافش را از زمین جدا می‌سازد... آن دم که مطهر می‌شود برای زیارت... و آن دم که در مهلت دلدادگی فرو می‌ریزد و باز بنا می‌شود... نیک و بد و دور و نزدیک، کدام است...؟ مریدان هر لحظه در رفت و آمدند... هر لحظه که چشم باز بسته می‌کنند... هر لحظه که رو به گلدسته‌های زلال، السلام علیکم می‌خوانند... می‌رسند به آنجا که گلاب جنت می‌باشند و از لجه‌ها و لحن‌ها مهربانی فرو می‌چکد... به آنجا که تمام عیار - خلعت عاشقانه - تعارف میهمان می‌کنند... هر چه نقل شود، باز احوال زائر نانوشتنی است... آنکه که کفش از پا می‌کند و شورا بها و خزن‌ها و کوبش‌ها را... تمام سیاهی‌ها و زنجیرها را... آنگاه که در دریای نور و دوست داشتن به پیش می‌رود... در رخصت عاشقانه‌ای که لرزش‌ها و ناخوشی‌ها را متوقف می‌سازد... و آن دیوانگی‌هایی که تا رسیدن، سایه کس در مهلت دلدادگی فرو می‌ریزد و باز بنا می‌شود... نیک و بد و دور و نزدیک، کدام است...؟ مریدان هر لحظه در رفت و آمدند... هر لحظه که چشم باز بسته می‌کنند... هر لحظه که رو به گلدسته‌های زلال، السلام علیکم می‌خوانند... می‌رسند به آنجا که گلاب جنت می‌باشند و از لجه‌ها و لحن‌ها مهربانی فرو می‌چکد... به آنجا که تمام عیار - خلعت عاشقانه - تعارف میهمان می‌کنند... هر چه نقل شود، باز احوال زائر نانوشتنی است... آنکه که کفش از پا می‌کند و شورا بها و خزن‌ها و کوبش‌ها را... تمام سیاهی‌ها و زنجیرها را... آنگاه که در دریای نور و دوست داشتن به پیش می‌رود... در رخصت عاشقانه‌ای که لرزش‌ها و ناخوشی‌ها را متوقف می‌سازد... و آن دیوانگی‌هایی که تا رسیدن، سایه کس در مهلت دلدادگی فرو می‌ریزد و باز بنا می‌شود... نیک و بد و دور و نزدیک، کدام است...؟ مریدان هر لحظه در رفت و آمدند... هر لحظه که چشم باز بسته می‌کنند... هر لحظه که رو به گلدسته‌های زلال، السلام علیکم می‌خوانند... می‌رسند به آنجا که گلاب جنت می‌باشند و از لجه‌ها و لحن‌ها مهربانی فرو می‌چکد... به آنجا که تمام عیار - خلعت عاشقانه - تعارف میهمان می‌کنند... هر چه نقل شود، باز احوال زائر نانوشتنی است... آنکه که کفش از پا می‌کند و شورا بها و خزن‌ها و کوبش‌ها را... تمام سیاهی‌ها و زنجیرها را... آنگاه که در دریای نور و دوست داشتن به پیش می‌رود... در رخصت عاشقانه‌ای که لرزش‌ها و ناخوشی‌ها را متوقف می‌سازد... و آن دیوانگی‌هایی که تا رسیدن، سایه کس در مهلت دلدادگی فرو می‌ریزد و باز بنا می‌شود... نیک و بد و دور و نزدیک، کدام است...؟ مریدان هر لحظه در رفت و آمدند... هر لحظه که چشم باز بسته می‌کنند... هر لحظه که رو به گلدسته‌های زلال، السلام علیکم می‌خوانند... می‌رسند به آنجا که گلاب جنت می‌باشند و از لجه‌ها و لحن‌ها مهربانی فرو می‌چکد... به آنجا که تمام عیار - خلعت عاشقانه - تعارف میهمان می‌کنند... هر چه نقل شود، باز احوال زائر نانوشتنی است... آنکه که کفش از پا می‌کند و شورا بها و خزن‌ها و کوبش‌ها را... تمام سیاهی‌ها و زنجیرها را... آنگاه که در دریای نور و دوست داشتن به پیش می‌رود... در رخصت عاشقانه‌ای که لرزش‌ها و ناخوشی‌ها را متوقف می‌سازد... و آن دیوانگی‌هایی که تا رسیدن، سایه کس در مهلت دلدادگی فرو می‌ریزد و باز بنا می‌شود... نیک و بد و دور و نزدیک، کدام است...؟ مریدان هر لحظه در رفت و آمدند... هر لحظه که چشم باز بسته می‌کنند... هر لحظه که رو به گلدسته‌های زلال، السلام علیکم می‌خوانند... می‌رسند به آنجا که گلاب جنت می‌باشند و از لجه‌ها و لحن‌ها مهربانی فرو می‌چکد... به آنجا که تمام عیار - خلعت عاشقانه - تعارف میهمان می‌کنند...

### نگاه

## مبانی فلسفی موجود برای تحول علوم انسانی کافی نیست



**فارس / دکتر عبدالکحسین خسرو پناه:** علوم انسانی در دنیای معاصر، گرفتار چالش مبانی است. علوم انسانی معاصر مبتنی بر مبانی دین شناسی، یعنی سکولاریسم و انسان شناختی، یعنی اومانیسم و معرفت شناختی، یعنی نسبی گرای و دیگر مبانی ریزتری است و تا زمانی که این مبانی تغییر نکنند، علوم انسانی می‌تواند استادان و دانشجویان را بی هویت سازد.

برای برون رفت از این وضعیت سه بخش بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت پیشنهاد می‌شود: پیشنهاد بلندمدت این است که ابتدا با شیوه کاربرد، نظر ریه‌های به اصطلاح تجزیه بی‌شماری علوم انسانی را شناسایی کرده، با تحلیل و کالبدشکافی آن‌ها، مبانی و بنیادهای قریب و بعد آن‌ها را کشف کرد و بر اساس پرسش‌های به عمل آمده از آن مبانی، به تأسیس مبانی جدید حکمت نوین اسلامی (حکمت خودی) پرداخت و با بالندگی مبانی فلسفه علوم انسانی اسلامی به تولید علوم انسانی اسلامی با مبانی جدید فلسفی دست یافت. معتقد، مبانی فلسفی موجود برای تحول علوم انسانی کافی نیست و به بالندگی بیشتری نیازمند است. اگر حکمت نوین اسلامی به تمام فلسفه‌های مضاف به واقعیت‌ها بپردازد، این مشکل اساسی در علوم انسانی حل خواهد شد. پیشنهاد میان مدت این است که علوم انسانی معاصر، از گرایش‌های گوناگون برخوردار است؛ برخی گرایش‌ها مانند روان‌شناسی انسان‌گرای آبراهام مازلو به مبانی اسلامی نزدیک‌تر و برخی دیگر مانند روان‌شناسی رفتارگرا یا روان‌کاوی فروید، دورتر است. حال ما در دانشگاه‌ها می‌توانیم با طرح گرایش‌های متعارض و توسعه گرایش‌های نزدیک به اسلام، تا حدودی از آسیب‌های علوم انسانی معاصر دوری گزینیم. پیشنهاد کوتاه مدت، تقویت و برگزاری جلسات نقد نظر به‌های علوم انسانی معاصر در دانشگاه‌ها برای کنترل بخشین به ایبت آن‌هاست.

## ظرافت‌های روان شناختی حقوق بشر در دیدگاه اسلامی



**مهر: محسن فاطمی، استاد روان‌شناسی دانشگاه هاروارد در میانش «ایالات متحده، حقوق بشر و گفتار مسلط» در دانشگاه تهران در سخنانی با موضوع «ظرافت‌های روان شناختی حقوق بشر در دیدگاه اسلامی» گفت: دیدگاه اسلامی نسبت به موضوع حقوق تفاوت دارد. با تفاسیر منفعت طلبانه از انسانیت و رویکردها و سیاست‌هایی که به انسان نگاه مادی دارد و آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد.**

امروز ما با پدیده بردگی مدرن تحت عنوانی و پوشش‌هایی همچون پیشرفت و توسعه، روبه رو هستیم که به صورت مخوفی گرفتاری‌های بسیار زیاد و متنوعی در آن وجود آورده است. اما اگر ریشه‌ای به قضیه نگاه کنیم، اهداف سلطه طلبانه در آن وجود دارد. از طریق بازی‌های روان‌شناختی گوناگون و ارائه راه‌های مختلف شناخت، امکان گفتارهای مختلف مشروعیت را محدود می‌کند و عقلانیت مسود محو خود را که بر مبانی نگاه هژمونیک آن هاست طراحی و تجویز می‌کند. دیدگاه اسلامی به حقوق بشر این نگاه آن‌ها را به چالش می‌کشد و نگاه خود محورانه و مصرف‌گرای آنان را رد می‌کند. پیامبر اسلام صلح و رحمت را به عنوان ماهیت مدرن روابط معرفی کرد و قرآن ریشه‌های بهترین نظم و ارزش‌های اخلاقی ممکن آن را با معرفی می‌کند. دیدگاه بین فرهنگی اسلامی تأکید بر ارزش‌هایی دارد که غیرقابل تغییر و جهانی هستند. پیامبران پیرامون روابط درون فردی، روابط بین فردی، رابطه با طبیعت و رابطه با خدا، اصول مدیریتی و ارتباطی به ما ارائه داده‌اند.